

عنوان مقاله:

بررسی دامنه های تشکیکی هنر جدید و نقش آن در تقسیم سازه های مدیریت هنر معاصر

محل انتشار:

هشتمین همایش ملی مبانی نظری هنرهای تجسمی ایران با رویکرد «هنر جدید» (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسنده:

الهام عبدی زاده - کارشناس ارشد، تصویرسازی، دانشگاه نیشابور

خلاصه مقاله:

گاهی که از چیستی یک شخص، امر و یا چیز سوال می شود مورد پرسش مختلف است. گاهی مورد پرسش معنی و مفهوم لفظ است. بدیهی است که رابطه لفظ و معنی رابطه ای قراردادی و اصطلاحی است، خواه اصطلاح عام یا اصطلاح خاص، زمانی که صحبت از هنر جدید به میان می آید، معانی متفاوتی را با خود در بر دارد، حال آنکه در معنای ساده چیزی متفاوت از الگوی مدرنیستی ای است که با پیشرفت خود به شکل هنر معاصر شناخته می شود، زمانی که بخواهیم معانی متفاوتی را از هنر جدید بیان کنیم، می بایست به تفکیک پذیری معانی آن پرداخت که در نتیجه با گونه ها و معانی متفاوتی از آن مواجه خواهیم شد، این تفکیک پذیری که گاهی هنر جدید را به معنای سنتی نیست، متاخر است، مفاهیم جدیدی را مطرح می کند و بیان آن جدید است را به همراه دارد. در پاسخ این چنین سوالاتی باید بی درنگ موارد استعمال را کاوید و یا به کتب لغت مراجعه کرد. بنابراین چیستی هنر جدید هم می تواند پاسخ های متعدد داشته باشد و همه آن ها نیز به نوعی صحیح باشد. زیرا هر لفظی در عرف های مختلف معانی مختلفی دارد. یکی از چالش های هنر معاصر بیان تعریف جامع از هنر جدید است، پیوسته دیده شده است. در محافل و مجالس آکادمیک هنر در خصوص ماهیت هنر جدید مباحث عملکردی مطرح شده است. از آنجاکه شناخت هنر جدید به وجه جامع می تواند در تصمیم سازی های نظام مدیریت هنر معاصر نقش آفرینی نماید. این مقاله به روش و شیوه مطالعات توصیفی- تحلیلی مبادرت به استنباط این مهم نموده است. نتایج تحقیق نشان داده است که هنر جدید و شناخت حدو حصر مفهومی و عملکردی آن از مهم ترین الزامات مدیریت هنری معاصر است، چراکه می تواند شناخت واقع بینانه ای نسبت به هنر جدید به عنوان واقعیت فرهنگی جهان معاصر به دست دهد.

کلمات کلیدی:

هنر معاصر، هنر جدید، ماهیت هنر، مدیریت هنر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1645408>

